

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری
المان، 25 جولای 2011

آتش

مخمس بر دو غزل استاد سخن
قاری عبدالله ملک الشعراي مرحوم

هرانکه خـام بود بهر او بیار آتش به کار سوخته دلان کی بود به کار آتش

بیا ببین که بیارد چـو آبشار آتش چو من ز داغ تو گردیده داغدار آتش

چرا ز دل نکشد این چنین شرار آتش

دل رمیده من سائل تـو بود افسوس تن خمیده من مائل تو بود افسوس

سواد دیده من محمل تو بود افسوس دیار دیده و دل منزل تو بود افسوس

که آن دیار گرفت آب و این دیار آتش

ببین چو شمع گدازان که برفروخت دلم قـبای ازرق دیبا بسی بدوخت دلم

متاع ارجـل زاهد به می فروخت دلم بروز بخت سیه بی رخ تـو سوخت دلم

چو شمع نیست فروزنده شام تار آتش

به خنگ کبر شد آن یار بانه جوی سوار بقصد قلب محبان خود بعزم شکار

دل شکسته به کف گیر و نـزد او بسپار باسب نی شده آن طفل شعله خوی سوار

حذر کنید که گردیده نی سوار آتش

چه عالمی که بود هر کلام را قاری که شعر تر بنویسد تمام را قاری
گرفت تیمور ازو این مرام را قاری چومی پزد طمع وصل خام را قاری
بود ز شعله خوی توش بکار آتش